

# زندگی در کلیسای اولیه



## بعد از ظهر روز سبت

**مطالعه این هفته:** اعمال رسولان باب ۲ آیات ۴۲ تا ۴۶؛ اعمال رسولان باب ۴ آیات ۳۴ و ۳۵؛ اعمال رسولان باب ۳ آیات ۱ تا ۲۶؛ اعمال رسولان باب ۴ آیات ۱ تا ۱۸؛ اعمال رسولان باب ۵ آیات ۱ تا ۱۱؛ اعمال رسولان باب ۵ آیات ۳۴ تا ۳۹.

**آیه حفظی:** «و هر روزه در هیکل به یکدل پیوسته می‌بودند و در خانه‌ها نان را پاره می‌کردند و خوراک را به خوشی و ساده دلی می‌خوردند. و خدا را حمد می‌گفتند و نزد تمامی خلق عزیز می‌گردیدند و خداوند هر روزه ناجیان را بر کلیسا می‌افزود» (اعمال رسولان باب ۲ آیات ۴۶ و ۴۷).

احساس اضطراب کلیسای اولیه نمی‌توانست قوی تر بوده باشد. شیوه ای که عیسی به پرسش مربوط به برپایی پادشاهی در خصوص مسیح موعود پاسخ داد و مسئله زمان را باز گذاشت (اعمال رسولان باب ۱ آیات ۶ تا ۸) می‌توانست به این مفهوم درک شود که همه چیز به آمدن روح القدس و کامل شدن مأموریت رسالتی بستگی داشت. بنابراین، هنگامی که پنطیکاست فرا رسید، ایمانداران اولیه گمان کردند همه چیز تحقق یافت: آنها روح القدس را دریافت کرده بودند و انجیل را با تمام جهان به اشتراک گذاشتند. نه اینکه رسولان اورشلیم را ترک کرده و به سایر نقاط جهان رفته بودند بلکه جهان نزد ایشان آمده بود (اعمال رسولان باب ۲ آیات ۵ تا ۱۱).

آنچه که بعداً بوقوع پیوست این بود که کلیسا خود را از متاع دنیوی جدا ساخت. با این حس که زمان کوتاه بود، هر چه داشتند را فروخته و خود را وقف یادگیری و مشارکت نمودند در حالی که به شهادت دادن درباره عیسی البته تنها در اورشلیم ادامه دادند. زندگی اشتراکی که آنها توسعه دادند، اگر چه در کمک به فقرا موثر بود اما خیلی زود به مشکلی تبدیل شد و خدا برای متحد نگه داشتن کلیسا مجبور به مداخله شد. چنین مشکلی مقارن با زمانی شد که با مخالفت و ضدیت مواجه گردیدند. اما در میان همه اینها، ایمان ایشان تزلزل ناپذیر باقی ماند.

\* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۳۰ تیر — ۲۱ July آماده شوید.

## آموزش و مشارکت

پس از پنطیکاست، لوقا روایت را به یک توصیف کلی درباره زندگی درونی کلیسا در اورشلیم تغییر جهت می دهد. «و در تعلیم رسولان و مشارکت ایشان و شکستن نان و دعاها مواظبت می نمودند» (اعمال رسولان باب ۲ آیه ۴۲). چهار مورد اشاره شده به نظر می رسد اساساً آموزش و مشارکت باشد. طبق آیه ۴۶، آموزش در معبد انجام می شد، در حالی که مشارکت در خانه های خصوصی صورت می پذیرفت.

صحن معبد با ایوان های مسقف احاطه شده بود که اغلب برای آموزش معلمین یهود استفاده می شد. اینکه ایمان داران خود را وقف آموزه های رسولان کردند، نشان می دهد که عطای روح القدس آنها را به یک تفکر مذهبی منتهی نکرد، بلکه به یک روند شدید یادگیری تحت نظر رسولان رهنمود شدند که اعتبار تعلیم توسط نشانه ها و شگفتی ها تصدیق شده بود (اعمال رسولان باب ۲ آیه ۴۳).

مشارکت روحانی، نشانه شاخص پارسائی مسیحیان اولیه بود. ایمان داران پیوسته با هم بودند، نه تنها در معبد بلکه همچنین در خانه هایشان، جایی که غذا را به هم قسمت می کردند، شام خداوند را جشن می گرفتند و دعا می کردند (اعمال رسولان ۲ آیات ۴۲ و ۴۶). مسیحیان اولیه با داشتن چنین جشن های روزانه ای، امیدشان به بازگشت زود هنگام عیسی را بیان می کردند، زمانی که مشارکت او با ایشان در ملکوت مسیحایی تکرار می شد (متی باب ۲۶ آیه ۲۹).

خانه های شخصی، نقشی کلیدی در حیات کلیسای اولیه داشتند. ایمان داران همچنان در مراسم روزانه معبد شرکت می کردند (اعمال رسولان باب ۳ آیه ۱) و در روز سبت، احتمالاً با دوستان یهودی خود در کنیسه بودند (بعقوب باب ۲ آیه ۲)، اما ارکان و مولفه های شاخص عبادت مسیحی در خانه ها انجام می شد.

**اعمال رسولان باب ۲ آیات ۴۴ و ۴۵؛ باب ۴ آیات ۳۴ و ۳۵ را بخوانید. یکی از جنبه های مهم مشارکت مسیحی اولیه چه بود؟**

آنها با اعتقاد به اینکه زمان پایان نزدیک است، تصمیم گرفتند که دارایی های مادی ایشان، «مالکیت خصوصی» (واژه بروز شده تر)، دیگر چندان دارای اهمیتی نبود. از این رو، استفاده مشترک از منابع مادی ایشان مناسب به نظر می رسید. دلیلی برای نگرانی در باره فردا وجود نداشت، زیرا که مسیح موعود خود نیازهای آنها را در ملکوتی که مسیح موعود در شرف برپایی آن است، برآورده می نمود (لوقا باب ۲۲ آیات ۲۹ و ۳۰). این به

اشتراک گذاری آنها را قادر ساخت مفهوم عمیق تری از اتحاد را در کنار الگوهای خارق العاده سخاوتمندانه مسیحی، تجربه کنند.

شما در مورد آنچه توسط خدا به شما بخشیده شده است، چقدر سخاوتمند هستید؟

۲۵ تیر

دوشنبه

## شفای مرد علی

در اعمال رسولان باب ۳ آیه ۱، پطرس و یوحنا برای مراسم دعای ساعت سه به معبد رفتند. این نشان دهنده اساس مشخصه یهودی باور کلیسا در این دوره ابتدایی می باشد. یعنی، رسولان تنها برای آموزش و یا بخاطر شاگردسازی به معبد نمی رفتند، بلکه از آنجایی که پطرس و یوحنا همچنان یهودی بودند و در نتیجه همچنان به رسوم دینی یهودی دست کم تا آن زمان پایبند بودند (اعمال رسولان باب ۲۰ آیه ۱۶، باب ۲۱ آیات ۱۷ تا ۲۶). آنها در آنجا یک معجزه حیرت انگیز انجام دادند (اعمال رسولان باب ۳ آیات ۱ تا ۱۰) که به پطرس فرصتی داد تا خطبه دیگری را موعظه کند.

اعمال رسولان باب ۳ آیات ۱۲ تا ۲۶ را بخوانید. برخی از تأکیدهای اصلی پطرس در موعظه اش چه بودند؟

پنج نکته اصلی، موعظه های مسیحیت اولیه را مشخص می نمود: عیسی، مسیح رنج کشیده بود (اعمال رسولان باب ۳ آیه ۱۸)؛ خدا او را از مرگ زنده ساخت (اعمال رسولان باب ۳ آیه ۱۵)؛ عیسی در آسمان تجلیل شد (اعمال رسولان باب ۳ آیه ۱۳)؛ او بار دیگر خواهد آمد (اعمال رسولان باب ۳ آیه ۲۰)؛ و توبه برای بخشیده شدن گناهان ضروری می باشد (اعمال رسولان باب ۳ آیه ۱۹).

از بسیاری جهات، این همان پیامی است که ما با جهان به اشتراک می گذاریم، حتی اگر زمینه و بستر فرهنگی تغییر کرده باشد. رسولان همچنان در محیطی یهودی بودند، زمانی که در عوض تغییر دین ها، مردم باید اساساً فقط از عهد قدیم به عهد جدید «کوچ» می کردند. آنها به عنوان بخشی از قوم خدا، باید مسیح موعود را می پذیرفتند و حیات تازه ای را که به دنبال آن پذیرش حقیقی عیسی می باشد، تجربه می کردند.

اکنون، اگر چه شرایط متفاوت است، پیام همچنان در اصل یکی می باشد: مسیح برای گناهان ما مرد، از مرگ زنده شد و بار دیگر باز خواهد گشت. پس این بدین معناست که ما می توانیم در او نجات را بیابیم. حتی در زمینه پیام سه فرشته در باب ۱۴ مکاشفه

یوحنا، عیسی مسیح مصلوب، عیسی مسیح قیام کرده و بازگشت عیسی مسیح باید در کانون نحوه انتشار آن پیام ها توسط ما باشد.

«از میان تمام فرقه های مسیحی، ادونتیست های روز هفتم باید در متعال ساختن مسیح در مقابل جهانیان پیشرو باشند. انتشار پیام فرشته سوم نیازمند ارائه حقیقت سبت می باشد. این حقیقت به همراه دیگر حقیقت هایی که در این پیام می باشد، باید انتشار یابند اما مرکز بزرگ توجه، عیسی مسیح نباید فرانش شود. بر روی صلیب مسیح می باشد که رحمت و حقیقت یکی می شوند و عدالت و صلح به یکدیگر می پیوندند. گناهکار باید راهنمایی شود که به جلجتا بنگرد و با ایمان ساده طفلی کوچک، باید به شایستگی های نجات دهنده اعتماد کند، عدالت او را بپذیرد و رحمت او را باور کند.» —

الن جی. وایت، Ellen G. White, Gospel Workers, pp. 156, 157

۲۶ تیر

سه شنبه

## ظهور مخالفت

پس از موفقیت کلیسا بود که مخالفینی از میان رهبران اورشلیم برخاستند. معبد اورشلیم توسط کاهن اعظم و دستیارانش اداره می شد که اکثر ایشان صدوقیان بودند. کاهن اعظم همچنین رئیس شورای سنهدرین نیز بود که در آن روزها بیشتر متشکل از صدوقیان و فریسیان بود. از آنجایی که صدوقیان رستاخیز را باور نداشتند، به شدت پریشان بودند که پطرس و یوحنا تعلیم می دادند که عیسی از مرگ زنده شده است. رسولان توسط نگهبانان معبد دستگیر شدند و تا روز بعد در بازداشت نگه داشته شدند، تا زمانی که در مقابل شورا آورده شدند (اعمال رسولان باب ۴ آیات ۱ تا ۷).

اعمال رسولان باب ۴ آیات ۱ تا ۱۸ را بخوانید. پطرس چگونه به پرسش آنها در مورد اینکه بر اساس چه اقتداری عمل می کردند، پاسخ داد؟ پیام اساسی در آنچه پطرس گفت چه بود که رهبران بسیار آن را تهدیدآمیز یافتند؟

چالش در باره اقتدار که توسط رهبران یهودی مطرح شد، حاکی از نگرانی برای حفظ قدرت بود. با این وجود، پطرس اعلام نمود که نه تنها معجزه در نام عیسی انجام شده بود، بلکه نجات تنها از جانب او می آید. رسولان در برابر بالاترین نهاد یهودی قرار داشتند؛ با این حال، آنها در خدمت مقام بالاتری بودند. این مردان، ماهیگیران اهل جلیل آموزش ندیده و ساده ای بودند؛ از این رو، شجاعت و فصاحت آنها به کسانی که در آنجا بودند ضربه زدند. اگر چه رهبران متوجه آن نشدند، نکته این بود که رسولان درست همانطور که عیسی پیشگویی کرده بود، از روح القدس پر بودند (متی باب ۱۰ آیات ۱۶ تا ۲۰).

با قادر نبودن در تکذیب معجزه — مرد شفا یافته نیز حاضر بود تا همه بتوانند او را ببینند — سنهدرین فرمان داد که رسولان دست از موعظه بردارند. آنها به یک اندازه از پیام و افزایش محبوبیت این جنبش وحشت داشتند. آنها که از ارزیابی درست شواهد قاصر ماندند، به تعصب و میل به دفاع از خود اجازه دادند که بر اعمال ایشان تأثیر بگذارد. سخنان پایانی پطرس در میان با ارزش‌ترین گوهرهای کتاب اعمال رسولان می باشد: «اگر نزد خدا صواب است که اطاعت شما را بر اطاعت خدا ترجیح دهیم، حکم کنید. زیرا که ما را امکان آن نیست که آنچه دیده و شنیده‌ایم، نگوییم» (اعمال رسولان باب ۴ آیات ۱۹ و ۲۰).

در مورد تمایل به قدرت و اینکه می تواند در هر زمینه و سطحی بطور بالقوه خطرناک باشد، بیاندیشید. از آنجایی که مسیحیان فراخوانده شده اند که خدمتگزار باشند، چرا ما باید مراقب دام و تطمیع قدرت باشیم؟

## چهارشنبه

۲۷ تیر

## حنانیا و سفیره

ادغام کالاها یا منابع با مالکیت مشترک در کلیسای اولیه اجباری نبود؛ یعنی یک شرط رسمی عضویت نبود. با این وجود، قطعاً چندین نمونه سخاوت داوطلبانه وجود داشت که الهام بخش کل جامعه بود. یکی از چنین نمونه هایی برنابا بود (اعمال رسولان باب ۴ آیات ۳۶ و ۳۷)، که بعدها در کتاب نقش مهمی ایفا خواهد نمود. با این وجود، نمونه های منفی نیز وجود داشت که اتحاد کلیسا را از داخل، درست در زمانی که حمله ها از بیرون آغاز شده بود، تهدید می کرد.

اعمال رسولان باب ۵ آیات ۱ تا ۱۱ را بخوانید. چه درس هایی در این داستان وجود دارد؟

اگر چه لوقا تمام جزئیات را به ما ارائه نداده است، شکی نیست که مشکل اساسی حنانیا و سفیره تلاش برای نگاه داشتن پول نبود بلکه عمل فریبکاری در میان اجتماع بود. گناه آنها نتیجه یک اقدام ناگهانی نبود بلکه نقشه با دقت طرح شده، یک تلاش عمدی «برای امتحان نمودن روح خدا» بود (اعمال رسولان باب ۵ آیه ۹). آنها ملزم به فروش اموال خود و دادن پول به کلیسا نبودند. از این رو، زمانی که خود را به انجام این کار متعهد نمودند، شاید تنها بر اساس منافع شخصی عمل می کردند، شاید حتی برای بدست آوردن نفوذ در میان برادران با آنچه عمل خیریه ستودنی به نظر می رسید، بود. این احتمال ممکن است توضیح دهد که چرا خدا آنها را چنان شدید مجازات نمود.

حتی اگر زندگی اجتماعی کلیسا از اعتقاد به اینکه آمدن عیسی نزدیک بود، ناشی شد، اعمالی مانند عمل حنانیا و سفیره در چنین مرحله ابتدایی می توانست اهمیت وفاداری به خدا را کم رنگ کند و به تأثیری بد میان ایمان داران تبدیل شود. این واقعیت که هیچ اشاره ای به داده شدن فرصت توبه به حنانیا و همچنین سفیره وجود ندارد (اعمال رسولان باب ۵ آیه ۸)، ممکن است تنها به دلیل کم بودن مقدار باشد.

نکته مهم این است که از ابتدا تا انتها، آنها گناهکارانه رفتار می کردند و گناه در نظر خداوند مسئله ای جدی می باشد (حزقیال باب ۱۸ آیه ۲۰، رومیان باب ۶ آیه ۲۳)، حتی اگر همیشه آن را بلافاصله مجازات نکند. در واقع، اینکه مجازات اغلب به تعویق می افتد، باید همواره به ما یادآوری کند که خدا چقدر بخشنده است (دوم پطرس باب ۳ آیه ۹).

چرا ما باید در مورد عبور از مرزهای فیض و رحمت، آنگونه که این دو عضو اولیه کلیسا انجام دادند، مراقب باشیم؟

۲۸ تیر

پنجشنبه

## دستگیری دوم

اگر می شد از رسولان برای آوردن داوری خدا بر گناه استفاده شود، مانند مورد حنانیا و سفیره، همچنین می شد برای آوردن فیض بر گناهکاران از ایشان استفاده شود. خدمت شفا دهنده قدرتمند ایشان (اعمال رسولان باب ۵ آیات ۱۲ تا ۱۶)، شاهدی ملموس بود که روح خدا از طریق ایشان عمل می کرد. اینکه این باور وجود داشت که حتی سایه پطرس می توانست مردم را شفا دهد، قابل توجه می باشد. نزدیک ترین روایت مشابه در انجیل، روایت زنی بود که با لمس نمودن جامه عیسی شفا یافت (لوقا باب ۸ آیات ۴۳ و ۴۴). با این وجود لوقا نمی گوید که سایه پطرس حقیقتاً قدرت شفا دهنده داشت بلکه مردم اینگونه فکر می کردند. با این حال، حتی اگر خرافات متداول در جریان بود، خدا همچنان فیض خود را ارزانی می داشت.

با وجود این، هر چه رسولان بیشتر از روح پر می شدند، و نشانه ها و شگفتی ها بیشتر می شدند، رهبران دینی بیشتر از حسادت پر می شدند. این باعث شد که آنها رسولان را برای بار دوم دستگیر کنند (اعمال رسولان باب ۵ آیات ۱۷ و ۱۸). تنها پس از فرار معجزه آسای آنها (اعمال رسولان باب ۵ آیات ۱۹ تا ۲۴) و سخنرانی جسورانه دیگری از پطرس مبنی بر اینکه «خدا را می باید بیشتر از انسان» اطاعت نمود (اعمال رسولان باب ۵ آیه ۲۹) بود که برخی از مقامات شروع به در نظر گرفتن احتمال در کار بودن تأثیرات ماوراء طبیعی نمودند.

اعمال رسولان باب ۵ آیات ۳۴ تا ۳۹ را بخوانید. غملائیل چگونه برای منصرف نمودن سنهدرین از کشتن رسولان تلاش نمود؟

سنهدرین یا همان شورای عالی یهود توسط صدوقیان اداره می شد و فریسیان اقلیتی با نفوذ کمتر بودند. غملائیل یک فریسی و مجتهد قانون دان بود. او به شدت در میان یهودیان مورد احترام بود که به عنوان «ربان یا ربنا» («معلم ما») به جای صرفاً «ربی» («معلم من») در نظر گرفته می شد. پولس یکی از شاگردان او بود (اعمال رسولان باب ۲۲ آیه ۳).

غملائیل بانی و تدوین گر دو جنبش طغیان گر دیگر در تاریخ معاصر اسرائیل بود که پیروانی را جذب نمود و باعث آشفتگی شد. با این وجود، رهبران کشته شدند و پیروان ایشان کاملاً پراکنده گشتند. درسی که او استنتاج کرده بود این بود که جنبش مسیحی منشاء انسانی داشت که به زودی محو می شد. از سوی دیگر، اگر این جنبشی الهی بود، همانطور که رسولان ادعا کردند، چگونه آنها امید به مقاومت در برابر آن داشتند؟ ریزنی غملائیل سودمند واقع شد. رسولان شلاق خوردند و بار دیگر به ایشان فرمان داده شد که در نام عیسی صحبت نکنند.

این داستان درباره اینکه مشاوره خوب اغلب می تواند ضروری و مفید باشد، چه چیزی به ما می گوید؟ ما چگونه می توانیم پیاموزیم که در برابر دریافت مشاوره حتی زمانی که ممکن است شامل چیزی باشد که لزوماً مایل به شنیدنش نیستیم، سعه صدر داشته باشیم؟

۲۹ تیر

جمعه

**تفکری فراتر:** «ما مباشرینی هستیم که مورد اعتماد سرور غایب خود می باشیم تا از خانواده و منافعش که برای خدمت به آنها به این جهان آمد، مراقبت کنیم. او به آسمان بازگشته است و ما را مسئول نموده است و انتظار دارد هوشیار و منتظر بازگشتش باشیم. بیایید در برابر این اعتماد وفادار باشیم تا مبدا ناگهان او ما را در خواب بیابد.» — الن جی. وایت، Ellen G. White, Testimonies for the Church, vol. 8, p. 37

«مردم باید با تقدس عهدهایشان تحت تأثیر قرار بگیرند و در امور خدا متعهد شوند. چنین تعهداتی معمولاً مانند قرارداد بین انسانها الزام آور نمی باشد. اما اگر وعده ای با خدا بسته شود، آیا تقدس آن کمتر خواهد بود؟ از آنجایی که فاقد برخی اصطلاحات فنی است و نمی تواند توسط قانون قابل اجرا باشد، آیا یک فرد مسیحی باید تعهد آن را که برایش قول داده است، نادیده بگیرد؟ هیچ سند یا تعهد قانونی الزامی تر از تعهد بسته

## سوالاتی برای بحث

۱. در میان بسیاری چیزهای دیگر، عیسی دو ارث برای حواریون بجا گذاشت: انتظار بازگشت زود هنگامش و مأموریت جهانی. این دو عامل چگونه باید بر حس مأموریت ما و فراخوانده شدن به موعظه انجیل به تمام جهان تأثیر بگذارد؟

۲. فردی زمانی چنین گفت: «ما باید چنان آماده باشیم که گویا عیسی امروز می آید، اما چنان به کار کردن [در مأموریت کلیسا] ادامه دهیم که گویا آمدنش صدها سال دیگر به طول خواهد انجامید.» در این نظریه چه حکمتی دیده می شود و ما چگونه می توانیم آن را در فراخوان زندگی خود اعمال کنیم؟

۳. چرا باید زندگی، مرگ، رستاخیز و بازگشت عیسی در مرکزیت تمام موعظه های ما باشند؟ یا اینگونه به آن بنگرید: موعظه ما بدون این رویدادها چه ارزشی خواهد داشت؟

۴. روایت حنایا و سفیره باید چه چیزی درباره دشوار بودن آگاهی از قلب های دیگران، چه در خوبی و چه در بدی، به ما بیاموزد؟

۵. برخی از غملائیل های امروزی که می شناسید، نام ببرید. یا شاید، آیا شما در موقعیتی هستید که این نقش را برای دیگران ایفا کنید؟ در هر صورت، در کلاس در مورد آن زمانها صحبت کنید و نمونه هایی از به خوبی مؤثر بودن دادن یا دریافت نصیحت عاقلانه را به اشتراک بگذارید. از این روایات چه درس هایی می توانیم بیاموزیم؟